

همراه

ازگان مرکزی حزب توده ایران

هیئت تحریریه: احمد قاسمی - احسان طبری - انور خامه - ایرج اسکندری - پروین منابادی

ما با هر دولتی که پیر و سیاست خائنانه دولت مساعد باشد یا اعضای کابینه سابق را در دولت شرکت دهد یا مویائی های دوره رضاخان را در رأس خود داشته باشد اصولا مخالفیم و جدا با آن مبارزه خواهیم کرد.

کابینه تازه، کابینه بیات

آقای سهام السلطان بیات با اکثریت ضعیفی در مقابل يك اقلیت قوی مخالف برای زمامداری کشور ایران در این دقایق پر اهمیت انتخاب شدند آراء ضعیف و سوابق امور هیچکدام نوید خوبی نیدهد و احتمال آنکه کابینه آقای بیات قاعده پس از احوال نفوذ ها و تشبثات و تحولات بوجود خواهد آمد بتواند مشکلات خطر کنونی را رفع کند ضعیف است از طرفی آقای سهام السلطان بیات که از اعضاء محبوب مردم هستند ظاهرآ در موضوع نفت از سیاستی که حزب ایشان ضمن اعلامیه اظهار داشته پیروی خواهند کرد و در این صورت سیاست ایشان در مسئله نفت با سیاست کابینه مساعد یکی خواهد بود. در نتیجه باید گفت که کیفیت کابینه تازه یعنی کابینه بیات با کابینه ساقط یعنی کابینه مساعد تفاوت چندانی نخواهد داشت و این کابینه نیز در همان کوره راهی بی سیر خواهد بود که سرانجام ساعدرا بسقوط در قبال اراده ملت ایران وا داشت.

ولی ما چندان هم علاقمند نیستیم درباره کابینه که هنوز عمل نشان نداده نفوس بدبزم زیرا مسکن است (اگرچه امکانیت بسیار ضعیف) این کابینه را حوادث از خواب خرگوشی کابینه های سابق بیدار کرده باشد و آقای سهام السلطان بیات متوجه باشند که آلت دست تلقینات این و آن قرار گرفتن و سیاست وطنی را تابع تمايلات و منافع دیگران کردن پایان خوشی نخواهد داشت. در این صورت بنوان يك تذکار ما بیان بعضی نکات را لازم میدانیم.

کابینه آقای بیات چنانکه معلوم است با اکثریت بسیار ضعیفی روی کار آمد و اگر آقای بیات نخواهند با نتوانند پایه کابینه خود را با پیش گرفتن يك سیاست ملی تقویت نمایند با مخالفت شدید اقلیت بطرز بسیار جدی و موثری دربرو خواهند شد. آقای بیات بدر طریق می توانند از حمایت اقلیت برخوردار شوند.

اول از لحاظ انتخاب اعضاء کابینه که قطعا و حشا نباید از عناصری باشند که چندین بار رسوائی بار آورده اند و در امتحانات سیاسی در پیشگاه ملت ایران برای همیشه مردود شده اند. امثال دکتر فسی و سروری و کاشانی و محار و زین کشی که در اعلامیه جرایم جبهه آزادی نام برده شده اند نباید در این کابینه راه یابند و کسانی که از این قماش هستند اگر چه شرکت ایشان در کابینه بیات نخستین تسمیه وزارت ایشان باشد نباید در موفقی که جهانی نگران سیاست و روش دولت ماست سر نوشت ایران را بدست گیرند. کابینه باید از عناصر پاکدامن و ملی تشکیل شود و بنحوی باشد که یکجانبه تلقی نشود.

دوم از لحاظ برنامه کابینه که باید با برنامه های جامه و تپی کابینه های سابق تفاوت بارز داشته باشد. بنقیده مانگنجانیدن دولتکته در این برنامه لزوم کابل دارد. نخست روشی که کابینه نسبت بنوعی که موجب سقوط دولت سابق شده در پیش خواهد گرفت و دوم تصمیم قطعی برای اجرای قانون اساسی و جلوگیری از مساس ارتجاعی و توطئه های خطرناک. بنصرون تذکر آشکار روشی که دولت در موضوع نفت در برنامه کابینه اهمیت فوق العاده دارد زیرا در شرایط امروزی چنین روشی نطم بنحوالوجه امتیاز یا اشتراك کابینه بیات و کابینه سابق باشد.

سیاست حزب توده ایران در مورد دولتی که با عناصر معلوم الحال و روش یکجانبه تشکیل شود واضح است. این سیاست ادامه مبارزه شدیدی خواهد بود که از زمان ساعد بنحو درخشانی شروع شده ولی در قبال کابینه که با عناصر قابل اطمینان و روش موازنه و مافلان ایجاد گردد حزب سیاست نوینی در پیش خواهد گرفت که لازمه يك کابینه وطن دوست و آزادبخواه است.



مستر ضیاءالدین از فلسطین فرامیرسد و «چون کودکان که دامن خود اسب میکنند» بر مرکب بندارهای خویش سوار گشته بفرور آر با پاشی بسوی مجلس می شتابد.

اما مبارزان آزادی ایران در مقابل او هستند و مستی غرور را از سر او بدر میکنند. بالاخره آن غافل مغرور را می بینند که از پنجره بناگاه خویش، باقیایه وحشت زده و چشمهای برآمده، بتوده ای که با وجود سر نیزه های رضا خان بر علیه او «فریاد مرده باد» میکنند میگردد.

احمد قاسمی

باز هم تقی زاده

این بار حقیقت عریان تر دیده میشود

شکاه وادبو انگلستان از قول آقای تقی زاده سفیر کبیر ایران در لندن «راجع باختلافات موجوده میان روسیه و ایران» نظریاتی پیش کرده است.

آقای تقی زاده اظهار داشته اند که دینتوان نخست وزیر مستفی ایران را بدشنی با روسیه متمم نموده، زیرا که مضمون سالهای متناهی در روسیه اقامت داشته و از طرف دولت ایران سر کنسول و سفیر کبیر بوده است. زبان روسی را بسیار خوب میداند.

حیث دلائل استواری برای دوستی ساعد با دولت شوروی اقامه کرده اند. اگر اقامت متناهی در کشور روسیه (نه شوروی) و دانستن زبان روسی دلیل تایل بر رژیم و سیاست شوروی است پس آقای تقی زاده که چند سال در لندن فاشیستی بسر برد، اند و زبان آلمانی را خوب میدانند هم باید متصالح بر رژیم و سیاست فاشیستی باشند.

آیا آقای تقی زاده چنین استدلالی را در باره خودشان میبندند؟ آقای ساعد برورده رژیم نزاری است و وجهه خود را از برخورد آن رژیم بدست آورده است. اگر ساعد بعدها بدست سفیر کبیر ایران در دولت شوروی تئین گردید برای این بود که در دوره نزاری که در قسولگری کار میکرد بقول یکی از روزنامه ها «با ساخت و بافت با جنرال قسولها و سفیر بطرز بزرگ مشغول لغت کردن اتباع بدست ایران بنام تذکره و ویزا و غیره» بود. برای این بود که ساعد قسولگری خود را در یاد کوبه در سایه سر نیزه سربازان نزاری حفظ نمیدود، برای اینکه ساعد از متعین و توفیق الدوله حاقه قرارداد ۱۹۱۹ بود، برای اینکه ساعد امتحان خود را در دشمنی با آزادبخواهان و تنفر از رژیم شوروی داده بود.

چگونه بقل کسی راست میاید که در زمان رضاخان که بزرگترین دشمنی ها را در باره دولت شوروی معمول میداشت یکنگرف دوستدار شوروی بننوان سفیر کبیر بآنجا اعزام شود؟ اگر ساعد آزمایش خود را نداده بود، کاملا طرف اعتدال سیاست ارتجاعی ایران نبود هرگز بهترین سستی منصوب نیگردید. آقای تقی زاده، آیا غیر از اینست که سیاست ارتجاعی ایران بیخ گسی، جز بدستگاران مطمن خویش، اجازه اشغال مقامات حساس را نمیدهد؟ آیا غیر از اینست که خودها بعد از وقایع شهریور از لحاظ حیث اطمینانی که نسبت بشما بود اشغال بست سفارت نائل آمدید؟

آقای تقی زاده باز هم در باره ساعد داد سخن داده و فرموده اند: «در عین حال قدری بین دوست و وطن خواه میباید که نتوانست با احساسات ملت خود بی اعتنا باشد. کدام احساسات؟ نظیر همان احساساتی که در موقع تمدید امتیاز نفت جنوب نشان داده شد، همان احساساتی که روزنامه نگاران و رجال مزدور با مبر رضاخان در مواقع وطن پرده های او بروز میدادند؛ اگر آقای تقی زاده اینگونه نظامرات را از کلمه احساسات در نظر دارند، اگر ملت را حیات از يك مشت مزدور سیاست ارتجاعی میدانند حق با ایشان است و معلوم میشود که ما اصولا در معنای لغات با یکدیگر اختلاف داریم بقیه در صفحه ۲

توقیف ظفر

روزنامه ظفر ازگان شورای متعهد مرکزی کارگران و وحشکشان بدون ذکر هیچ دلیلی توقیف شد. ما باین عمل قانون شکنانه حکومت نظامی شدید اعتراض نموده از دولتی که در سال تشکیل است برانداختن این پاسیان بیخیز ارتجاع را خواهیم.

از گفتار رادیو برلن در برنامه ساعت هشت و ربع صبح ۲۳ ۹ ۳۳

..... ملت ایران، نمایندگان مجلس، سیاست ساعد را تعقیب کنید وطنه هر جوان شور ایران است که امروزه بر علیه قوای متعین اقدام نماید
این است دستور از زبان فاشیست به نوکران خود از زمره کبیانی ساعد و شرکاء

سیاسی

پوگسلاوی و شوروی

دیروز خبر گزارهای خارجه خبر مسافرت سوباسیک نخست وزیر دولت یوگسلاوی را بیسکو منتشر نمودند. این باره مذاکرات مطبوع گردید. ولی مسافرت نامبرده صورت سطحی نداشته و از برای اهمیت فراوانی در راه دو کشور و بخصوص در تئین و استقرار وضعیت داخلی کشور یوگسلاوی و رفع بحرانی که تاکنون در این کشور ادامه یافته است دارد.

زیرا علاوه بر سوباسیک نخست وزیر مسافرت شورای نجات ملی یوگسلاوی نیز بیسکو رفته است و علاوه بسیاری از رجال موزر دولت یوگسلاوی در لندن و رهبران جیش نجات ملی نیز در مذاکرات شرکت نموده اند.

بطور کلی اهمیت این مذاکرات را علاوه بر ملل نامبرده از جنبه های زیرین میتوان دریافت.

- ۱ - دولت شوروی که در ایام اخیر از مذاکره و نزدیکی با دولت مهاجر خود داری میکرد برای اولین بار وارد مذاکره شده است.
- ۲ - در این باره باید متذکر شد که دولت شوروی در زمستان سال ۱۹۴۲ - ۱۹۴۱ به دولت یوگسلاوی مقیم لندن

۲ - رفتن نخست وزیر یوگسلاوی بیسکو و وقوع یافتن مذاکرات بین این دولت و کبینه نجات ملی ثابت میکند که محافل مهاجر یوگسلاوی برای دولت شوروی حق نظارت در قضایای سیاسی خاور اروپا قابل گردیده اند و این نکته است که از لحاظ تعادل سیاسی اروپا بقیه در صفحه ۴

تایمز

راجع بنفت چه مینویسد؟

اشتیاق دولت شوروی برای گرفتن امتیاز نفت ایران خیلی واضح و روشن است و سبب خاصی موجود نیست که مذاکرات راجع بانرا بعد از جنگ معمول سازد. اخیرا مذاکراتی میان امریکا و انگلیس راجع بنفت جریان داشته ولی بطور کلی مذاکرات مزبور بیش از هر چیز مربوط بشکلات خاور نزدیک بوده است و در هر حال چون دولت روسیه برای شرکت در این مذاکرات دعوت نشده بود ممکن است همان مذاکرات مسبب جزئی برای اقدامات اخیر روسی شده باشد و آن را عکس العمل مذاکرات انگلیس و امریکا و اغفال خودش تصور کند.

نقل از سر مقاله روزنامه تایمز راجع بنفت

در جبهه امضاء وقت کارمندان دولت چگونه میگذرد؟

چه جوان و چه پیر گردنشان رو بچلو خم است و اکثرا با سیکاری که در دست دارند با کمال حيله مثل اینکه در تقییب کسی هستند یا کسی تقییشان میکند وارد اداره میشوند. مستنای از فرط دست باجکی کراوات و بیه شان بشکل مضحکی درآمده است و معلوم است که صبح حتی فرصت و حوصله مرتب کردن خود را نداشته و اغلب بقول خودشان دل و پروا هم ندارند در موقع ورود با اداره از پله ها چه بالا بروند و چه پایین دوسه پله یکی میکنند و گاهگاهی هم مشرف بر زمین خوردن میشوند. کم اتفاق میافتد که سر ساعت اداری وارد شوند همیشه بگرم بیست دقیقه تا نیم ساعت تاخیر دارند منتهی دفتر حضور و غیاب را می بینند تنظیم و تکریم میکنند. برای او منت بپریم و مرگ من و جان داداش میگویند که بگذارید امضاء نمایند هر طوری شده بقول خودشان یا در آخر کرده و به اصطلاح خودشان امضاء را می اندازند.

جبهه امضاء صبحها اول وقت اداری را که است فعالیت ها همه منحصرا به خر کردن مأمور دفتر امضاء است از دفتر بیرون میماند آنهاییکه بانصدی دفتر خرده حساب ندارند خنده گوشه لب دارند که از خر قلم فرم و راحت شده و اما آن بیچاره هایی که بینشان با دفتر دار شکر آب است مثل بروج زهر مار خارج میشوند نفس می دهند ناسزا بخوردشان و همه مقامات دیگر بالا میگویند «لاصب تکذابت ما هم بیانه ازیم» امضا کنیم «بله ملک بازنی بازی است فلان عضو که در فلان قسمت کار میکند همیشه دیر میاید و زود هم میرود ولی هیچ گاه قلم فرم جلو اسم او کشیده نشود و با فلان خانم مترجم یا ماشین نویس چه عرض کنم» این صبا لیت ها این نقش و نقشکاریها اغلب آهسته آهسته انجام میشود و شکل بیج بیج کردن و زمزمه را بخود میگیرند و ده بازنده دقیقه یا زیاد تر طول میکشد که حیاط اداره یا کرویتهای آنرا ترک میگویند و هر کدام به اطاقشان میروند.

موسیقی وارد اطاق بشوند یک ساعت از وقت گذشته کار مثبتی انجام نشده است تازه بنامیکند سر گذشت خودشان را از به از ظهر دیروز تا امروز صبح که میرانگیر را نیده اند تحریف میکنند دوست اطاق کارخان مخصوصا اطفاهایی که سه چهارصو در آنجا کار میکنند شکل یک قهوهخانه را بخود میگیرند حلاله که هوا سرد است و در اطاق را میبندند بصوری دود فضا را میگیرد که قابل تنفس نیست کم کم در حدود ساعت سه کار اداری با سرعت مورچه جریان پیدا میکند این موجودات بی مثل دانه های اناری بوده اند که بین منگنه شرایط دشوار و سخت زندگی فشرده شده شادایی و قشنگی خود را از دست داده بیروح و السرده و سخت شده اند در جبین آنها نور زندگی نوری که در پیشانی یک انسان خوشبخت باشد دیده نشود نقل مجلس اینجا صحبتها متفرقه راجع به گرفتاریهای زندگی است برای هم درودل میکنند و در همین حال اگر اتفاق افتاد بسیاری میرانگیر یا پشوی میبوزند و این یا پشوی دوزی موفقی کاملا آشکار میشود که ماموریتی پیش آید هر کدام برای جلب نظر رئیس و پیشی گرفتن بر سایرین سخت بتکاپو میمانند و گله و بیگانه بر سر این موضوعات مخصوصا مشاخره های خیلی با تراکت در میکردند و ناسزاها علی بنه بگرم میبندند پوری هم غیبت یکدیگر را میبندند و در این قسمت اتفاقی که اخیرا افتاده شرح داده میشود تا خوانندگان بی باصططاط ناشی از بدی رژیم اقتصادی ایران بیرند.

مترجم یکی از نوجه های میلسو با فلان کارمند بد بوده و پیش نویسی بزبان انگلیسی تهیه میبشاید به مضمون اینکه فلان کارمند شفاها گفته من دیگر خدمت دولتی را نمیبشاید و لذا بخدمش خاتمه داده میشود اینتخم کار بدست آن کارمند بیچاره و بی خبر از همه جا داده بودند و مثل باران اشک میریزد و دستش بیجایی نیرسید.

پرونده ها و نامه های که باید روی آنها فوراً اقدام شود اغلب مدت مدیدی معطل میشود در صورتیکه واقعا پیش از نیم ساعت کار ندارد. کارمندان جوان اغلب بگرم نه بهانه پیدا کنند و باطلان خانم های ماشین نویس میکنند و بعدا بگرم اعتراضت میبشاید و در این فاصله هم حرف میزنند از قبلی که دیشب در فلان میبشاید دیده اند از جورایی که فلان دستفروش در فلان خیابان میفروشد از کربودین هائی که در دهنه بازار حراج میبشاید و بالاخره از همه چیز حرف میزنند بدون اینکه کوچکترین نتیجه از این همه پر حرفی خود بگیرند حرکت و رفتار کارمندان جوان در ماشینخانه بقدری سبک و جلف است که انسان را متاز میکند حرکات خانم ها از جوانها بدتر و مشرف کننده تر است از سه صبح تا ظهر و استننا تا نیم الی یک بعد از ظهر کار های اداری آنهم چنانکه گفته شد با سرعت مورچه میگذرد سپس در تمام اطاقها کارمندان از پشت میزها بلند میشوند و مشغول قلدزدن هستند در این ساعت هیچگونه کاری انجام داده نشود اگر کسی مراجعه کند میگویند آخر وقت است. خوشبزه اینجاست که بعضی از کارمندان اصولا نه کار و نه مسئولیتی ندارند و نفر از رقیب در وزارت ... بقول خودشان مشغول بیکاری اند هر دو هم لیسانسه هستند در اطاق اینها ذره کافه حتی برای نوشتن یک نسخه کوچک هم نیست این تیب کارمندان صبح امضایکنند و میروند نیم ساعت یک ساعت بوقت مانده میآیند و امضاء را میبندند و می روند و آخر برج حقوق میگیرند.

از همه مضحکتر بگرم رتبه شش که تازه از وزارت ... با داره ما منتقل شده است میگفت در وزارت ... کارمندان دایره ... ماهی سه تومان به پیشخدمت میدادند که بجای آنها کنند.

بقیه در صفحه ۴

از گفتار رادیو برلن

۲۳۹۹۱ - ساعت هشتم و نیم

تمام جوان های ایران روزنامه رستاخیز روز شنبه را بخوانند و به یقینند که وظیفه فلان موقعی که وطن در خطر است چیست؟

دکتر میلسو

محمد حسین تمدن

آقای دکتر میلسو را مدتی است روزنامه ها فراموش کرده اند و این فراموشی نه از جهت آنست که فعالیت های منفی ایشان متوقف شده بلکه جریانات مهم دیگری که در میاندست سیاست داخلی کشور ما روی داد بسبب این فراموشی موقتی شده است.

اگر حقیقت را فراموش نکنیم ساعد را همان سال مشغولی که پنجاه پیش سیاست وی را در باره الفاه اختیارات دکتر میلسو ماهرانه تغییر دادند دچار این بست نمودند و همانا بودند که او را در سرافش سیاست یکطرفه بحق دهر برت نمودند.

اگر تصور شود که فقط یک مسئله بخصوص سیاست خارجی، دولت گذشته را وادار بسقوط نمود اشتباه محض است. مسئله نفت فقط سبب شد که خط مشی غلط سیاست ساعد که قیلا با کوشش در تثبیت اختیارات دکتر میلسو وادامه خرابکاری وی ثابت شده بود زود تر ورشکستگی خود را نشان دهد.

ساعت پنج ماه پیش بانکها متولیان مجلس سیاست خارجی که اختیارات میلسو تا سه ماه بعد بهمان صورت قبلی معفوظ بماند و بعد از سه ماه اگر تغییر اساسی در اوضاع اقتصادی کشور بوقوع پیوست به الفاه اختیارات او پرداخت، در آن هنگام همه معارف آزادبخواه بدین تصمیم شوم اعتراض بردند زیرا گرچه دیکته کنندگان ظاهرا آنرا زیر لفافه حق بجانب پویشاند بودند ولی ماهیت ارتجاعی آن که فقط جنبه وقت گذرانی و دسیسه بازی داشت کاملا آشکار بود.

چگونه ممکن بود تصور سکرد دکتر میلسو که قشقی ارتجاعی وی و جریانهای که از وی تقویت میشوند کاملا آشکار بود و تا آنوقت جز در راه هرج و مرج اقتصادی و بهم زدن همه موسسات بهره برداری کشور قشقی برداشته بود، در این سه ماه ماهیت خود را تغییر دهد و بتفنگ ملت ایران قدم بردارد؛ در طرف این سه ماه و بعد از آن دکتر میلسو بطور فزاینده وی ماسک خود را بیشتر قفب زدن و با بر دوزی و منطافه عجیبی بتزلزل سطح قیمت ها را که در تمام نقاط جهان بورا شده تحول جریانات جنگی ایجاد شده و در ایران بواسطه سوء سیاست مستشاران فقط بطور نامفی و سر و پا بگسسته صلی گردیده بود بحساب اقدامات درخشان وی گردنند.

بعد از اقتضای سه ماه موعود که افکار عمومی با بیجان نظیسی الفاه اختیارات اقتصادی و مالی دکتر میلسو راخواست طرفداران وی با بهانه های مختلف میخواستند افکار عمومی را از این دو خواست منحرف کنند و خود را با بیرون دادن اعلامیه های ضدو غیرضد و عده های بی پایه و موده های دروغی در باره انقراض دولتی که در داخل دولت ایران تشکیل داده است مدتی وقت ملامت ایران را بحرف تلف کرد و در باطن بقالیبت های زبان پشش خود ادامه میداد.

دکتر میلسو که بتوان یک مستشار اقتصادی از طرف دولت ایران استخدام شده بود کار را بجایی رسانید که در جریانات سیاسی کشور ما بتفنگ عمال ارتجاع و استعمار شروع بدخالت نموده و دستکاه دستکاری خود را تکیه کاه بزرگی برای دشمنان آزادی و استقلال ملت ایران شرد.

در این اواخر محور سه گانه سید ضیاء - میلسو - ساعد کاملا خود را مشخص کرده بودند و روزنامه رهند امروز که ساعد را نهرمان ملی میلسو را نگاه دارند (۱) استقلال ایران و سید ضیاء را مظهر حریت (۱) میبندند خود را ناشر افکار این اتحاد سه گانه معرفی نموده بود.

چاپخانه توده ایران

باز هم تقی زاده

بقیه از صفحه ۱

ولی اگر منظور ایشان از ملت آن کسانی هستند که جان میکنند و نان میخورند و اگر احساسات را بجزارت از غلیانانی میداند که حتی در مقابل توب و تانک حکومت نظامی و شلیک سرتیب خسروانی ها فرو نمی نشینند خوب است بندرجات روزنامه های آزادبخواه و ناپشانت توده ملت مراجعه نمایند. البته آقای تقی زاده بهم آهنگی بنگاه رادیو لندن، در این مورد میگویند: « باید دانست که روزنامه هائی که این نوع اخبار منتشر ساخته اند از جراره فریم هم کم انتشار طرمان میباشند و تظاهرات و نمایش هائی که خیلی در باره آن گفتگو برپا گشته اساس و بنای آن جاروچنبال و فوغا بوده است. اما کسانی که با مطبوعات ایرات سروکار دارند میداند که روزنامه های رهبر - ایران ما - آذیر - فرمان - اقدام - نجات ایران - دماوند - آزادگان و سایر روزنامه های معالف ساعد از کثیرالانتشار ترین روزنامه های ایران اند و امثال روزنامه های نسیم شمال و ناهید که با سیاست ساعد هم آهنگی میباشند جز در چنه قهوه خانه معدود خواننده نمی شوند.

اگر روزنامه مستر ضیاءالدین، طرفدار قرار داد ۱۹۱۹، عامل کودتای منحوس سوم حوت، و کیل تصویبی بی شناسنامه، تمه بیحفاظ دولت بیکانه، از طرف بنگاه رادیو انگلستان و آقای سفیر کبیر ایران در لندن بعنوان نماینده احساسات و افکار عمومی تلقی شود برای ما تمجیب نندارد ولی بیکبار دیگر ثابت میکند که مستر ضیاءالدین و تقی زاده و امثال آنها با یک رفته بحرکت میآیند و در کریم های مضلف، بازی کنندگان قش واحدی هستند.

آقای تقی زاده که وجود مبارک ایشان باعث تعدید امتیاز نفت جنوب گردید و در یک معامله ۱۶ بلیون و ۱۲۸ میلیون ریال بوطن ما خرزد، و آقای دکتر مصدق اخیرا دوباره او گفت: « شاید مادر روزگار دیگر نراید کسی را که به بیکانه چنین خدمتی کند» راجع بنفت شمال اظهار نظر فرموده و از احتمال اطلالی این امتیاز با عبارات آریخته بتاسف سخن گفته اند. وطن در خطر است، امتیاز نفت داده میشود در حالی که دلال معامله آن آقای تقی زاده نیست! در حالی که دولت امتیاز گیرنده، هامت دولتی نیست که سالها از آقای تقی زاده مهمان نوازی نموده است! بله. وطن در خطر است!

آقای تقی زاده میگویند: « عمده ای از میلیون ایران اساسا با دادن هر گونه امتیازی به بیکانگان مضلف هستند.

آقای تقی زاده، این میلیون چه کسانی هستند؟ مهم صحبت نکنید و از بردن نام آن کسانی که بعنوان « ملیوت» در نظر شما هستند شرم نداشته باشی. نام بیریاد تاملت بهتر بفهمد که ملیون در نظر شما چه منی دارد. آیا ملیون شما غیر از آن کسانی هستند که برای تعدید امتیاز نفت جنوب کف زدن و شادی کردند و « حق بقدر میرسد» گفتند؛ اگر همانها بیستند باشا چه سرو کاری دارند؟

آقای تقی زاده، زبان در دهان این میلیون زبان بسته گذاشته می گویند « بقیه شان» خود ایرانهایی میباشند با کمک بیکانگان از منابع اقتصادی و ثروت خود بهره بردارند. صحبت در همین جاست، صحبت در همین کمک بیکانگت است، دولت همنسای شوروی از همین میترسد و حق دارد بترسد که کمک بیکانگان به اداره کردن بیکانگان تبدیل شود و موسسه ای که بنام ایرانی بوجود می آید بر علیه دولت شوروی بسزله اسلحه بیکانگان باشد.

آقای تقی زاده، یک موسسه مهم و خالی از نفوذ بیکانه در ایرات نشان بدهید تا ما هغه شما را خالی از شایبه تلقی کنیم. اما این چنین موسسه در کجاست؟ این چنین آزادی را در کجا باید جستجو نمود؟ آقای تقی زاده اظهار عقیده میکنند که « بنظر ملت ایران قبول چنین پیشنهادی از طرف دولت روسیه چنین تفسیر که ایرانیان بواسطه وجود نیروی بیکانه در خاک ایران مزایای خاصی برای شوروی ما قائل میباشند» معلوم میشود مقصود آقای تقی زاده از نیروی « بیکانه» فقط نیروی شوروی است و الا وجود نیروی سه دولت امریکا و انگلیس و شوروی، مزایای خاصی فقط برای شورویا نمیتواند در برداشته باشد. همین پرشهای قلم که حتی مسکن است بدون توجه به اصل آید حاکی است از طرز تفکر نویسنده و نمایلات یکطرفه اوست.

موضوع نفت بقدری برای ارتجاع اهمیت دارد که مهمترین و خندک ترین تیرهای ترکش خود را ندا میکند و حاضر میشود که ماسک امثال تقی زاده نیز که کوشش ها برای رنگ آمیزی آن بعمل آمده است برداشته شود، بوم « تبلی الفرائع» فرارسیده است.

روزنامه شهباز

پس از تعدید نظری که در سازمان داخلی آن بعمل آمده با همان سبک درین منتشر خواهد شد

تاریخ آزادی فکر

برای روشن فکران ایران

بشر و دستهای زنده پوش

برای رنجبران و زحمنکشان و آزادبخواهان

این دو ارزاقه نفس را در روزنامه شهباز بخوانید

خلاصه خبرهای جهان

ساربروکلر... آزاد گردید... استحقاقات جزیره اول شکافته شد...

در امریکا

واشنگتن - روزولت رئیس جمهور آمریکا...

نطق وزیر خارجه فرانسه

پاریس - وزیر امور خارجه فرانسه امروز در انجمن مشاوره فرانسه...

در جبهه باختر

نیروهای ژنرال باتون که در جبهه ای بطول چند میل در خاک آلمان...

در یوگوسلاوی

قراداد شوروی و یوگوسلاوی که اکنون در مسکو مشغول مذاکره...

بیانات روزولت

واشنگتن - روزولت روز سه شنبه در انجمن روزنامه نگاران اظهار...

گوناگون

رادیوی یوگوسلاوی آزاد دیروز اعلام داشته است که ارتش نجات...

اخبار کسوف

رار نامه

آنها را پاسگاه ایرانی که در مرز تعویض دهنه طبق تقاضای آنها از طرف مأمورین دولت عراق رفتار خواهد شد...

راجع بتحویل محمد رشید

نایب کان دو طرف قبول نمودند که بنظور تسریع در خانه دادن به عملیات محمد رشید و ابتیاض در قاط لازم مرزی قوای کافی در خاک متبوعه در مقابل یکدیگر با برقراری ارتباط نزدیک و دائمی مستقر نمایند...

بعضی اطلاع یافتن از وجود

یکی از اشراف درخاک طرف مقابل بوسیله افسران ارتباط طرف دیگر را مستحضر ساخته که با اعزام همه اوراق دستگیر نمایند اساسی اشخاص مقصود طرفین تعیین و برای اجرای مقررات بهمدیگر اطلاع دهند...

در صورت دستگیری محمد رشید

و ابتیاض در خاک عراق دولت عراق و ایران با یکدیگر بوسیله نایب کان خود در مرکز مذاکره خواهد شد...

تا زمانی که محمد رشید تسلیم

با دستگیر نشده دولت عراق مکلف خواهد بود بقیه بستگان نزدیک آنها را بنطاق دور از مرز روانه و دارائی و اموال آنها را در محل خود در تحت نظر قرارداد بجز از احتیاجات ضروری آنها...

با دستگیری محمد رشید تطبیق

نامین نامه که افسر ارتباط دولت ایران به افسر ارتباط دولت عراق داده است که اجماع دولت ایران که در ارتش آلمان تقاضای محمد رشید با یکدیگر دارائی آنها که همراه داشته اند به خاک عراق بنامند و با کوجایبده شده اند اگر رهایی ایرانی برای معاودت به ایران تقاضای حفاظت کردند دولت عراق مساعدت خواهد نمود که آنها را اسلحه با خود برساند اگر رهایی ایران از مأمورین دولت عراق تقاضا کنند که...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

تقاضای تصویب ماده ۱۵

تلگرافی از اهلیان رسید تصویب ماده ۱۵ قانون تعلیمات اجباری را خواستار شده اند ما توجه وزارت فرهنگ را با اینکه تقاضای مشروع و معقوله جلب نمینمایم...

نامه های رسیدک

کارگران معدن زیر آب کارگران معدن زیر آب شکایت دارند که مدت دو سال است بین آنان تقاضای توزیع شده است تقاضا در حدیست مقامات مربوطه در این باره توجه مخصوص بنمایند...

شکایت اهالی مازندران

نامه ای بامضای آقایان بیرزاد لطف الله تئوی - غلامحسین امیری و ۱۲ نفر دیگر از مازندران رسیده که نسبت بتصمیم وزارت کشاورزی مبنی بر آوردن آب هراز که از چشمه سار های لار تشکیل میشود ابراز نگرانی کرده اند و اظهار میدارند که اینصیل در وضع کشاورزی آلوده اثرات نامطلوب و غیرقابل جبران خواهد داشت...

میتینگ در لیل سفید

۲۶ و ۲۷ در لیل سفید کارگران و آزادبخواهان با شمار کارنان و آزادی برای همه میتینگ داده و اعمال فرمانداری نظامی تهران را در مورد ناپیش میتینگ آزادبخواهان و کارگران تسبیح کرده اند ضمنا خواستار شده اند تسبیح و قتل کارگران تبریز بزودی معاکه و مجازات شوند...

تاکت ژنرال باگرامیان

از روز ۶ نوامبر از قراه متفون سوره خسرو آباد مهم و غیره برای جمع آوری پول برای مطار تاکت ژنرال باگرامیان با حسن استقبال تمام شروع گردیده و هنوز ادامه دارد...

میتینگ در تبریز

۲۶ از طرف جبهه آزادی از عموم کارگران احزاب و تشکیلات های آزادی خواه پس از سخن رانی ناطق مغایره تلگراف تصویب گردید: ما اهالی آذربایجان از مقامات ملامتدار اجاری...

تحقیف در بهای پارچه های زنانه

همه رقم پارچه لباسی مخصوص بانوان متری یکم و بیست ربان زرشک کالی کارخانه وطن اسفهان مرکز خیابان سعدی شصه خیابان امیریه سه راه جنب گلشن (ش-۱۹۱)

آگهی

از عموم کارمندان دارائی که عضو حزب توده ایران می باشند دعوت میشود که برای اتخاذ تصمیم مهمی روز چهارشنبه اول آذر ۱۳۳۲ ساعت ۵ بعد از ظهر در کلوب مرکزی حاضر شوند

آگهی

کتاب نسرین و آزاد با نونه ای از مبارزه کارگران و دهقانان که مدتی انتظارش را داشتید منتشر شده است از روزنامه فروشها خریداری نمایند

آگهی حزبی

بدینوسیله با اطلاع اعضاء حوزه ۸۰ میرساند که جلسات هفتگی روز های چهار شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در محل کلوب خواهد بود

بمنفعت روزنامه آذیر

کدی « میرزا کمال الدین » اثر مولیر ترجمه مرحوم فروغی عصر شنبه ۴ آذر در تئاتر فرهنگ با اشتراک معروفترین هنریشکان تهران محل فروش بلیط لاله زار منازره رفائیل لاله زار پاساژ بهار دفتر آذیر خیابان شاه جنب کوچه لاله منازره فاش

جامعه را بنیاسید

محل فروش: اداره پخش نشریات توده

استقلال معنوی دانشگاه

دانشگاه در دوره فرمانروایی رضاخان بصورت دستگه فاسدی در آمده بود که در حقیقت ناظر افکار مستبدانه وی و میدان فعالیت ناطقین پرورش انفکار بشمار میرفت . تمام کوشش گردانندگان دانشگاه در این بود که با توسل به سفید ترین افکار پوسیده و فل قول از متفکرین ارتجاعی و دشمن دموکراسی ، به دستگه استبدادی و فساد مایشایی رضاخان صورت خفایت بدهند و شاگردان دانشگاه را بصورتی در آورند که کاملاً شایسته حلقه بگوشی در سازمان دولتی و اداری زندگ زده امروز باشند . برای تأمین این منظور در راس امور دانشگاه کسانی را قراردادند که از هر جهت مورد اطمینان آنها بوده و از فروختن علم و دانش واقعی به استبداد رضاخانی بیچوجه تهاشی نداشتند .

دانشگاه بصورت محیط خاموش و آرامی در آمده بود که در آن صادم افکار مخالف و روح موجود نبود - دانشگاهیان بیچاره اوراق جزواتی که مستوی افکار مومنیانه شده دوره‌های کهن بود بیچوجه منشی حق مراجع نداشتند و بر فرس هم که افکار مغاللی در مغز آنها بوجود می‌آید اظهار عقیده و مباحثه در اطراف آن گشای عظیم بود - دستگه رضاخانی آت عده مسعودی دانشگاهیان را که بر خلاف سنت های استبداد کتابهای تازه خوانده و دارای نظر تازه شده بودند در رویف دزدان و آدم کشات به سلولهای زندان قصر انداخت و از هیچ جایشی نسبت به آنان فروگذار نشود .

پیش آمدت وقایع شهریور که حکومت رضاخان فرو ریخت در دانشگاه نیز فلنا همان « ظاهره » که در اجتماع ایران پدید آمده بود تکرار شد . بدین منی که همان « آبارت » پوسیده بجای خود بر قرار ماند ولی اولیای امور دانشگاه که سالها خدمتگزاری رضاخانرا از جان و دل قبول کرده بودند همسایه دموکراسی و طرفداری از « علم بیطرف » را بر خ کشیدند . همانطور که در داخل اجتماع ایران بدیچ صاهر مترقی و آزادی خواه مشکلی گردیدند در دانشگاه نیز بسوازات آن هسته يك نهضت جدید و ضد بردگی فکری آغاز شد .

متولیان دستگه رضاخانی در عین حال که از آزادی دموکراسی پشت بیزار بودند با دوروی و تزویز میخواستند خود را پشتیبان مشروطیت جلوه دهند و بهیچن صورت گردانندگان دانشگاه هم با اینکه از پدید آمدن نهضت مترقی و روشنفکری بیم داشتند مشاهده نکردند که با حرف ، تیافه حقیقی خودرا بیوشانند و خودرا علمدار « بیطرفی مطلق » و « روحیه تحقیقات آزاد » جلوه دهند .

دستگه حکومتی امروز ایران و چه سلسله جنایان دانشگاه در صاهر دیکتاتوری فکری و اجناسی ، طلق ها میکنند ، مقاله ها میوبسند و کنفرانسها میهند ولی این بیانات آنها بیچوجه مانع از آن نیست که ریشه های فکر استبدادی و ارتجاعی که از ارباب عقید خود بیادگار دارند از خلال همین کنفرانسها آشکار گردد .

اینها در عین اینکه اقرار دارند « بزرگترین صدمه و خطری که متوجه دانشگاه ها شده موفق گردیدن آنها بداشتن عقیده و مسلک معینی است که بتوان تنها نظریه و مسلک حقیقی بدانشگاه تحویل میشود » بیخواستند راه حقیقی نیجات از این روطه خطرناک را که شایرت از تمام ضایده مخالفان و حق اظهار عقیده و مباحثه افکار متضاد است برسیست بشناسند و باز با رویه معانطفه کاری مخصوص اصطلاح چنه پهلوی « روحیه تحقیقات مستقل و بیطرفی مطلق » را سرلوحه طلق های خود قرار میهند .

این « بیطرفی مطلق » و « تحقیقات آزاد » را آقایان بدین منی میگیرند که داشجو بیچوجه نباید در انکار خود یک نظریه قطعی داشته باشد زیرا مخالف « بیطرفی » است .

دروس امروز که تعلیمات ارتجاعی دوره رضاخان در مغز دانشگاهیان یکینه روضخ کرده صحت از « بیطرفی مطلق » کردت در حقیقت جر کوشش یکطرفه برای ابقاء وضعیت موجود چیز دیگری نیست .

اینها این حقیقت را نادیده میگیرند که دانشگاه امروز بشام معنی رنگ بیطرفی خود را از دست داده ، بصورت آت مطیع ایدئولوژی پوسیده هیئت حاکمه در آمده است و تحت تاثیر هیئت رویه یکطرفه است که در ظاهر ، بعنوان « بیطرفی مطلق » ولی باطناً برای حمله غیر مستقیم به هسته افکار آزادپنهورانه دانشگاهیان داد سخن میدهند . اینها متوجه نیستند که امروز حتی ساده تربیت بیانی علم هم از طرف دانشندان ارتجاعی و مزدوران هیئت های حاکمه تکذیب میشود و تقسیم بندی خشک وی مغز دوره های کهن را که نماینده افکار مومنیانه شده ایدئالیستی است بعنوان « فلسفه علوم » تعویل دانشگاهیان میدهند .

میکویند که مورد اطلاعات انسانی که هنوز « بدین قطعی » آن بعد اهلی خود نرسیده است باید « بیطرفی مطلق » و « استقلال معنوی » را محفوظ داشت ولی از توجه بدین نکته غافلند که ایدئولوژی و طرز تفکر هیئت های حاکمه پوسیده که نظیر دستگه حکومتی امروز ایران باشدستی واضح ترین و مسلم ترین میانی علمی را منکر میشود و در صاهر همان « مقوله » تقسیمی قرار میدهد که بنظر این آقایان « بیطرفی مطلق » در آن لازم و واجب است .

اگر مغز این کلام را بشکافید در آن جز طرفداری تلویحی از دستگه فاسد فرهنگی امروز و توییح ضستی به دانشجویان و روشنفکری که میخواهند پارا از دالره « بیطرفی مطلق » بیرون کشیده و بر علیه کهنه فکری و جمود موجود در دانشگاه مبارزه کنند چیزی نغواهیذ یافت .

اگر برای استقلال دانشگاه خطری موجود باشد همان رویه یکطرفه و زبان بهض سلسله جنایان دانشگاه است که از هرگونه جریان جدید و نهضت آزادیخواهانه میترسند و نه تنها علاوه دانشگاه کهن دفاع میکنند بلکه در گفته های خود نیز تحت لادانه های ظاهر قریب روشی را اختیار می نمایند که این نمایان آنها را آشکارا میسرساند .

شوروی در دنیای آتیه

ژوزیپل وزیر خارجه فرانسه در نطقی که اخیراً ایراد کرد نکته بزرگی را بیه روشن بینان جهان اعلام داشت و گفت: « اروپا قادر باهامه حیات نخواهد بود مگر با همکاری کشور اتحاد جماهیر شوروی »

آیا جای تعجب نیست که در دنیای که وزیر خارجه دولت بزرگراز اروپای باختری مانند فرانسه چنین اظهاری درباره دولت شوروی مینساید هیئت حاکمه کشور ما که ۱۶۶۰۰ کیلومتر مربع مشترک با دولت شوروی دارد باسیاست کورکورانه و احفانه نسبت باین دولت نیرومند رفتار ننماید ؟

ایکاش زمامداران مرتجع و پوسیده کشور ما مختصری از مفهوم این جمله بزرگ سیاسی را درک میکنند و بکار میبندند .

در جبهه امضاء

بقیه از صفحه ۲

موت سه چهار ماه پیش که در اداره ۰۰۰۰ کار می کردم یکی از کارمندان میزش را به بنگاه معاملات ملکی تبدیل کرده بود و هرروز چند نفر مستاجر باور جمع میکردند که برایشان خانه پیدا کنند بهرحال ۶ ساعت وقت اداری وقتی که باید امور مردم را رسیدگی کرد بهیچن نحو میگذرد نزدیکیهای آخر وقت کندی جبه امضاء شروع میشود درجبهه امضاء آخر وقت اداری فعالیت بعد از آن میرسد .

من اغلب روزها کنار می ایستم و آخر همه امضاء میکنند و بعد این اشخاصی که ساضحه رژیم منحوس اشرافی بخشکان کرده و روحشان را کشته تأسف میخورم و در عین حال خندهام میگیرم کارمندان جوان و پیر از سرو کول یکدیگر بالا میروند ، هدیگر را تته میزند که زودتر امضاء نموده و بقول خودشان بجاک بزنده کامی قضیه بقدری پرنج وجدی میشود که واقعا خیالات آور و نتکین است و فرخا دو کارمند که یکی اسن روی صفاه و دیگری پشت آنت است بایکدیگر مصادف میشوند هر کدام میخواهند بریکدیگر سیفت جست و امضاء کنند اگر یکی از آنها قوی تر از دیگری باشد که برود یا اوست و اگر زورشان مساوی باشد قضیه مسلماً با باره شدن ورق دفتر و در رفتی نسبت بهم ختم میشود .

کارمندان که اسشان در يك ردیف است با هم عقد اخوت و دوستی منقذ میکنند که بجای هم امضاء نمایند بدین ترتیب شاید کارمندی بگردد با دوروز اصلا اداره نیامده ولی امضایش مرتب انداخته میشود روزها پشت سرهم تکرار میشود و این زندگی سراسر کثافت و لجنزار کارمندان هم مثل جوی متعنی امتداد و جریان دارد دلبری و هم ملایه بکار از وجود کارمندان شفت عیبی دارد نامه‌های که غیلی خیلی قوی در بالای آنها نوشته شده است بنگاه بیست روز بدون اقدام میماند و اغلب مقفول میشود و کارمندان در قبال این تضایا کامل خوسردند - موضوع بسیار قابل توجه و شنیدنی اینکه یکی از کارمندان دازالی شهرستان ۰۰۰ - نامه هالی را که باید به پست بدهد بول تیر آنها را برمیآید و نامه را بنیفرستاده است - این قضیه را کشف کرده بودند و نامه هالی را در دست خود گرفتند و بول تیر آنها چندین ماه شده بود خلاصه فساد عیبی در تمام دوائر دولتی حکمفرماست فقط و فقط جز بارانورم اقتصادی و تحول هدیدی میتوان ریشه این فسادها را از بین برد باید زندگی کارمندان را اصلاح کرده و احتیاج روزانه آنها را مرتفع نمود ، و الا با این وضعیت و با این ماسمالیه نه تنها اصلاح نمیشود بلکه روز بروز خرابتر و نکبت باتر میشود آری تا مادامیکه یک نفر کارمند لیساییه که پانزده سال زحمت کشیده و چان کشته ۱۰۴۰۰ ریال حقوق میدهند قافله ترقی و پیشرفت ما روز بروز لنگ تر میشود .

سؤال از رئیس شهربانی

باورنگهبان رئیس شهربانی ملایر که از مملکت مدنی مسترسه چی ملایر دستور میگیرد برخلاف تمام مقررات قانونی کشوری در نیمه شب بنزل جعفر بای و آذر مهر امضاء حزب توده ایران که ملک مدنی آنها را بانام چاقو کشی تبعید نموده ریخته و سب ترس و وحشت زیاد افراد خانواده و بچه‌های یکینه آنها را فراهم آورده اند .

هناظور که تبعید این دو نفر بدون تشکیل پرونده و رعایت مقررات قانون عملی شده بود اینکه رئیس شهربانی ملایر تنک دیگری برنجابع خود میافزاید و بدون اطلاع دادستان در نیمه شب بنزل آنها میریزد .

ما از رئیس شهربانی مرکز سؤال میکنم که این اقدام مخالف قانون مامور شهربانی در ملایر چه عنوانی دارد ؟ آیا از مرکز دستور داشته و یا خودسرانه باین امر میبادرت ورزیده ؟

در صورت اول روی چه اصل چنین دستوری که بر خلاف نص صریح قانون اساسی مصوبت منزل را سلب میکند داده شده است ؟

و در صورت دوم چرا این مامور خودسر را که به تبعیت ملک مدنی جان و مال و منزل افراد آزاد ملت را مورد تهدید قرار داده است احضار و مجازات نمیکند ؟

آیا راست است؟

۰۰۰۰ کهدر نتیجه فداکاریها و حسن خدمتی که آقای سرهنک میبایست بنسابت جلوگیری از مینتکها و نمایشهای توده در هفته اخیر بخرج داده بدریافت يك قطعه مدال متفخر گردیده است ؟

۰۰۰۰ که سرهنک محمود خسروانی باوجود پرونده های عدیده که در ارتش دارد و حضرت بسیار بدی که در زمان ماموریت خرید هواپسا در خارجه کسب کرده است بزور دسته خسروانیهای ارتش بنسابتدگی دولت ایران در کنفرانس هوایی واخنگکن تبیین گردیده است ؟

۰۰۰۰ که مستر ضیاالهدین اخیراً جمیعت دیگری بنام دوستان ما تشکیل داده وعده از معاونین وزارتخانه ها و روسای ادارات دولتی و قضات عالیرتبه را باین طریق غیرمستقیم تحت نفوذ گرفته است ؟

۰۰۰۰ که در تاریخ ۱۹/۲۳/۴۸ دولنگه آرد از بنجاز خانه هنک و فاتح بوسیله استوار ۲ فتی با گاری تک اسبه بنزل سرهنک تسلیس برده شده ؟

۰۰۰۰ که استوار ۲ یوس احمدی که بن ونیم کج از همان هنک بنزل سرهنک نابرده انتقال داده است ؟

۰۰۰۰ که سرهنک مرمور ماهیانه یکبزار و بانصد زبال بابت تصدی خانه هنک از استوار فتی در مقابل اختیارات تام در باره قبیت اجناس دریافت میدارد ؟

۰۰۰۰ که از طبق و پتو های ارتش و افراد آن نیز استفاده های نامشروع میشود ؟

یوگسلاوی و شوروی

بقیه از صفحه ۱

اما اینکه چه مذاکراتی در مسکو حال اهمیت فراوان است . اما طلل این روش و ایجاد این مذاکرات را قبل از هر چیز در عوامل ذیل باید دانست :

۱ - نیجات و راهائی کامل کشور یوگسلاوی از اشغال آلمانها در آتیه نزدیکی عملی میشود وهم اکنون پایتخت و قسمت بزرگی کمالا آزاد شده است بنا بر این دولت مهاجر دست و پا افتاده است که بهر قبضتی هست اشکالات حل شود .

۲ - ارتش سرخ با اجازه کینت نیجات ملی وارد قسمت بزرگی از خاک یوگسلاوی شده و دوش پوشی ارتش ملی یوگسلاوی برای نیجات شهر های این کشور میبکنند بنا بر این لازم است هرچه زودتر روابط بین دولتی معلوم و طبق قرارداد میبند گردد .

۳ - چنانچه در مقالات گذشته راجع باینجن اخیر مسکو تذکره کردیم یکی از مسائلی که در این اجین حل شد و مورد موافقت دولت انگلستان و شوروی قرار گرفت مسئله یوگسلاوی بوده است و اکنون طرح مورد موافقت بر سطح اجرا گذاشته میشود از این رو میتوان حدس زد که در اجین فوق حل مسائل مربوط یوگسلاوی و بالکان را پیشتر بنظر دولت شوروی وا گذار سوده اند .

۴ - راجع به تجدید سازمان اقتصادی و اجناسی کشور یوگسلاوی و جبران خرابیهای جنگ تصمیبات جدی گرفته شود .

۵ - ونیز امکان دارد که راجع باین مسائل حکومتی آتیه کشور یوگسلاوی صیبت شود و بدین تبیین میشود که کشور باید بطریق جمهوری یا مشروطه اداره شود وظلیه پیر بادشاه یوگسلاوی چیست و با او چه باید کرد ؟

احتکار از طرف دکتر میلسپو

بفرار اطلاع خصوصی مقادیر زیادی حیوانات از قبیل نعود و لویا و عرس و غیره در سه سال قبل قبیت گرانی تهیه و در انبار های دولتی موجود و در شرف فساد است و شهرداری تقاضای خرید آن را کرده ولی تاکنون از طرف آقای دکتر میلسپو موافقت نشده و بازم در فکر احتکار هستند تا یکی از بین برود .

اقدام : اغلب املاهای دولت در انبار ما و مخصوصاً در کمرک پهلوی فاسد شده بطوریکه بعضی از اجناس ذرمی پوسیده و قابل استفاده نیست ، از این گذشته چهارده هزار قوری بکته آقای مینس فریبور در انبار مانده که با احتیاج هدیه مردم قبیت آن بیست برابر شده بود و بپسرو مانع فروش آنها شده بود که امروز قبیت آنها تنزل کرده و این بپسرو دولت و ملت است . موضوع های هم یک نحو بازی احتکار است که اول آن را در کمرک و سرحد حبس کرده تا اغلب آن فاسد و بی رنگ و بو شده بود و با تحویل جای های بد اجازه حمل داده و بعد از تنزل بر حسب مصلحت يك عده منتفعبار آن را بوسیله اصلاحیه هم اجازه خارو میانه تری داده و از این قبیل زبان ها بسیار است وای بحال دولتی که چنین مستشار دارد .

« هل از اقدام »